

سرمقاله

تامین مالی تولید نیازمند مشوق های هدفمند

ادامه از صفحه یک...بسترهای لازم برای هدایت نقدینگی به سمت بخش مولد را فراهم آورد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که این تعادل، نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه و استفاده از ابزارهای متنوع است. در شرایط کنونی اقتصاد ایران، بخش خدمات به دلیل سودآوری بالا، منابع بانکی را به خود جذب کرده و این امر به حاشیه رانده‌شدن صنعت و کشاورزی انجامیده است. بانک مرکزی می‌تواند با ابزارهایی مانند تعیین سقف اعتباری، اعمال مشوق‌های هدفمند و نرخ‌گذاری ترجیحی، جریان منابع را به سمت بخش‌های تولیدی سوق دهد. اما مشکل اصلی اینجاست که بانک مرکزی به تنهایی قادر به ایجاد این تحول نیست و نیازمند همکاری سایر نهادهاست. برای مثال، اعمال معافیت‌های مالیاتی برای بخش تولید یا پرداخت یارانه‌های هدفمند می‌تواند مکمل اقدامات بانک مرکزی باشد. یکی از راهکارهای امور، سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی بر اساس اولویت‌های اقتصادی است. در دوره‌ای که کشور با بحران مسکن مواجه است، باید سهم بیشتری از منابع به این بخش اختصاص یابد و در مقطع دیگر، اولویت با صنایع مادر باشد. این انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری می‌تواند به بهبود تولید کمک شایانی کند. بیش از ۹۰ درصد بار تامین مالی در ایران بر دوش شبکه بانکی است که این امر فشار مضاعفی بر این بخش وارد کرده است. در حالی که در اقتصادهای پیشرفته، منابع تامین مالی متنوع تر هستند و شامل سرمایه‌گذاری خارجی، بخش خصوصی داخلی و بازار سرمایه می‌شوند، در ایران به دلیل ضعف بخش خصوصی و تحریم‌ها، این تنوع وجود ندارد. شرکت‌های بزرگ خارجی به دلیل نگرانی از تحریم‌ها و مشکلات نقل و انتقال مالی، تمایلی به سرمایه‌گذاری در ایران ندارند. از سوی دیگر، بخش خصوصی داخلی نیز به دلیل نبود ثبات در سیاست‌ها و قیمت‌گذاری‌های دستوری، انگیزه کافی برای ورود به پروژه‌های بزرگ را ندارد. راه حل این مضل، توسعه ابزارهای مالی نوین مانند اوراق ثانویه و معامله مطالبات بانکی است. در بسیاری از کشورها، بانک‌ها مطالبات خود را به شرکت‌های ثالث می‌فروشند و این امر به کاهش فشار بر ترازنامه آنها کمک می‌کند. اما در ایران این سازوکار هنوز به بلوغ نرسیده است. سرمایه‌گذاری موفق تنها به اقدامات بانک مرکزی وابسته نیست، بلکه نیازمند هماهنگی تمامی نهادهای اقتصادی، قانونی، اجرایی است. یک سرمایه‌گذار داخلی یا خارجی پیش از هر چیز به ثبات قوانین، سهولت مقررات، تمرکز کمی و مالیاتی و امنیت سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در ایران، نگاه بخشی حاکم است و هر دستگاه تنها به حوزه خود می‌اندیشد و این ناهماهنگی، فرآیند جذب سرمایه را با دشواری مواجه کرده است. کاهش سهم شرکت‌های دولتی و عملکرد مدیریت آنها به بخش خصوصی می‌تواند به بهبود عملکرد اقتصاد یانجامد. اما تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که صرف تغییر درصد مالکیت، بدون انتقال واقعی مدیریت، نتیجه‌بخش نخواهد بود.

یادداشت

ترامپ علیه عدالت جهانی

ادامه از صفحه یک...نخست‌وزیر اسرائیل، به اتهام جایت‌های وی در غزه آغاز کرده و دیگری، نسبت دادن اتهامات سنگینی همچون جنایات جنگی به سران امریکایی در افغانستان است، این بار نیز همان روند پیشین تکرار شده است، با این تفاوت که ابعاد و پیامدهای سیاسی و حقوقی گسترده‌تری به همراه دارد. از جمله اینکه امریکا که خود عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست، در اقدامی تنبیهی، برخی قضات این دیوان را تحریم کرده و حتی ادعا شده که اموال آن‌ها را در خاک امریکا مسدود کرده‌است. البته باید میان تحریم و توقیف اموال تفاوت قائل شد. تحریم می‌تواند به معنای ممنوع ورود بودن یا قطع دسترسی به مزارع اقتصادی در امریکا باشد، اما توقیف اموال، امری دیگر است که نیاز به مستندات حقوقی و رویه‌های قضایی دارد و به راحتی نمی‌توان آن را اجرایی کرد. رئیس‌جمهوری امریکا می‌تواند بر اساس اختیارات خود، ورود افراد را به کشورش ممنوع کرده، یا مزیای خاصی را از آن‌ها سلب کند اما اقدام به توقیف اموال شخصیت‌های حقوقی و قضات یک نهاد بین‌المللی، بدون فرایند حقوقی، می‌تواند نقض آشکار قوانین بین‌الملل تلقی شود. تحریم دیوان کیفری، صرف‌نظر از قابلیت اجرایی آن، ضربه‌ای به پرستیژ این نهاد نیست، چراکه این دیوان یک نهاد مستقل وابسته به سازمان ملل است و دبیر خانه سازمان ملل موظف به حمایت از آن است. اگرچه برخی دولت‌ها ممکن است آرا و تصمیم‌های آن را اجرا نکنند، ولی اصل وجود چنین نهادی که بر پایه حقوق بین‌الملل عمل می‌کند، تضمین‌کننده نظم حقوقی در سطح جهانی است. دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است نتواند به‌طور مستقیم واکنش متقابلی علیه امریکا نشان دهد، اما اهمیت موضوع در حوزه پرستیژ و دیپلماسی بین‌المللی نهفته است. حتی اگر امریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی متضرر نشود، اما برای بسیاری از کشورها، بی‌اعتنایی به نهادهای بین‌المللی می‌تواند هزینه‌های سنگینی به دنبال داشته باشد. اقدام امریکا علیه دیوان کیفری، ولو آنکه از منظر حقوقی الزام‌آور نباشد، اما پیام روشنی درباره بی‌توجهی به عدالت بین‌المللی و تلاش برای تضعیف نهادهایی که به بررسی جنایات جنگی و نسل‌کشی می‌پردازند، به جهان مخابره می‌کند اگرچه این اقدام ممکن است برای امریکا اهمیت نداشته باشد، اما برای سایر کشورها، نوعی بی‌اعتباری در نگاه جهانی پدید می‌آورد که می‌تواند در آینده در تعاملات سیاسی، تجاری و حقوقی آن‌ها اثرگذار باشد. در نهایت، حتی اگر دیوان نتواند پاسخ مستقیم و متقابلی به این تحریم‌ها بدهد، اما از منظر اخلاقی، سیاسی و حقوقی، امریکا را در موضع دفاعی قرار داده است. جهان امروز، به‌رغم همه تضادها و رقابت‌ها، بیش از هر زمان دیگری نیازمند نهادهای مستقلی است که فراتر از قدرت‌های سیاسی، معیارهای عدالت و حقوق بشر را پاس بدارند.

بانک مرکزی باید پاسخگوی وام‌های اعطایی به اشخاص مرتبط با بانک‌ها باشد



جعفر قادری نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره پرداخت وام‌های میلیاردی از سوی بانک‌های خصوصی به شرکت‌های خود یا شرکت‌های وابسته به سهامداران خود اظهار کرد: در صورتی که چنین وام‌هایی از سوی بانک‌ها پرداخت شود، بانک مرکزی باید نظارت کرده و پاسخگو باشد که چرا تسهیلات بانکی به سمت اشخاص خاصی سوق داده می‌شود آن هم در حوزه‌هایی که بیشتر جنبه تجاری دارد. در سالی که به نام «سرمایه‌گذاری برای تولید» نامگذاری شده است این تسهیلات باید به سمت سرمایه‌گذاری تولیدی برود تا بتواند پاسخگوی نیاز سرمایه ثابت و بعضاً سرمایه در گردش تولیدی باشد. نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: اگر برخی از بانک‌ها برای اینکه به اصطلاح دردرس خودشان را کمتر کرده و خودشان را درگیر مشتری‌های متعدد نکنند، این اقدام را در پیش گرفته‌اند، جای ایراد و اشکال دارد و اگر نیاز باشد ما به این موضوعات ورود پیدا می‌کنیم و می‌دانیم که این وام‌ها بیشتر به شرکت‌های وابسته به سهامداران بانک‌ها پرداخت می‌شود. گفت: قانون در بحث ذینفع واحد محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است و باید کنترل و نظارت صورت گیرد تا بانک‌ها چنین اجازه‌ای نداشته باشند که به اشخاص وابسته به خودشان تسهیلات بدهند. مباحث نظارتی حتماً در کمیسیون اقتصادی دنبال خواهد شد.

حمایت ۳ میلیون واحدی شاخص کل بورس تحت تأثیر اخبار سیاسی و اقتصادی از دست رفت

بازگشت تردیدها به بازار سرمایه



می‌شد، عملاً تعطیل شده است. فعالان بازار از نبود یک استراتژی مشخص و قابل اتکا در قبال بحران‌های اخیر گلايه دارند. به اعتقاد بسیاری، رئیس فعلی سازمان، سیاستی خنثی در پیش گرفته و از ورود جدی به مسائل روز بازار پرهیز می‌کند؛ سیاستی که در نهایت موجب فرسایش اعتماد عمومی و فرار سرمایه‌ها از بازار شده است. اکنون این سوال مطرح است که آیا بازار می‌تواند بار دیگر خود را بازیابی کرده و به سطح سه میلیون واحدی بازگردد یا روند نزولی همچنان ادامه‌دار خواهد بود؟ پاسخ به این پرسش، بیش از آنکه در متغیرهای اقتصادی نهفته باشد، به تحولات سیاسی و نحوه عملکرد نهادهای تصمیم‌گیر وابسته است. اگر مذاکرات به نتایج ملموسی منجر شود و سازمان بورس نیز از حالت انفعال خارج شده و نقش فعالی ایفا کند، می‌توان به احیای بازار امیدوار بود. در غیر این صورت، بازار سرمایه نه تنها از اهداف حمایتی دولت در تحقق سرمایه‌گذاری برای تولید عقب خواهد ماند، بلکه ممکن است با خروج بیشتر سرمایه‌ها، دچار یک بحران عمیق‌تر شود؛ بحرانی که نه تنها شاخص را به پایین‌تر از سطح کنونی سوق می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به بازار سرمایه را به‌طور بنیادین تضعیف خواهد کرد.

علت عقب‌نشینی بورس چه بود؟

احمد اشتیاقی کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با تجارت، پیرامون علت سقوط شاخص کل بورس به عددی پایین‌تر

احمد اشتیاقی کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با تجارت، پیرامون علت سقوط شاخص کل بورس به عددی پایین‌تر از ۳ میلیون واحد اظهار کرد: به نظر من، افت شاخص بیشتر از هر چیز ناشی از نوعی به‌هم‌ریختگی و نبود دیدگاه بلندمدت در معاملات بازار بود. در واقع، حدود ۸۰ درصد از خریداران سهام در ماه‌های اخیر، دیدگاه‌های کوتاه‌مدت و سودهای نوسانی داشتند.

و سرمایه‌گذاران دوباره در موقعیت فروش قرار گرفتند. از سوی دیگر، موضوع قطعنامه احتمالی علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به یکی از دغدغه‌های جدی فعالان بازار تبدیل شده است. هر چند که این موضوع هنوز در حد گمانه‌زنی

است، اما فضای نااطمینانی ایجادشده، خود به تنهایی می‌تواند موجب تضعیف بازار سرمایه شود. بر این اساس، بازار در روزهای اخیر بیش از آنکه به واقعیت‌های اقتصادی واکنش نشان دهد، به دلیل نبود چشم‌انداز روشن سیاسی، به شدت تحت تأثیر شایعات و اخبار نیمه‌رسمی قرار گرفته است.

سکوت نهاد ناظر بورس، سازمانی که غایب است

در چنین شرایطی، انتظار می‌رفت که سازمان بورس و اوراق بهادار با اقدامات حمایتی و شفاف‌سازی‌های لازم، نقش فعالی در کاهش التهاب بازار ایفا کند؛ اما واقعیت این است که چنین اتفاقی رخ نداده است. در گذشته، در مواجهه با بحران‌های مشابه، مسئولان بازار سرمایه از جمله رئیس سازمان بورس و اتخاذ مواضع روشن و اقدامات عملی نظیر تشکیل جلسات فوری با حقوقی‌ها یا اطلاع‌رسانی شفاف درباره اقدامات آتی، سعی در بازگرداندن آرامش به بازار داشتند. اما این بار، نهاد ناظر ترجیح داده است سکوت کند. نه تنها واکنشی از سوی سازمان نسبت به نامه محسن رضایی دیده نشد، بلکه جلسات حمایتی با نهادهای حقوقی که پیش‌تر به‌صورت منظم برگزار

۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران معاف از مالیات است

گروه اقتصاد کلان: مهدی موحدی، سخنگوی سازمان امور مالیاتی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا درباره اقدامات این سازمان برای ساماندهی معافیت‌های مالیاتی اظهار داشت: طبق مطالعات انجام‌شده درباره میزان معافیت‌ها و یا عدم مشمولیت‌های مالیاتی در کشورمان، حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی مشمول مالیات نیست و این عدد از اقتصاد معاف از مالیات است که این عدد در بسیاری از کشورها کمتر از ۱۰ درصد است. سخنگوی سازمان امور مالیاتی ادامه داد: در ایران حداقل ۳ برابر برخی از کشورهای پیشرو این بخش از تولید ناخالص داخلی معاف از مالیات است که رقم بالایی محسوب می‌شود. وی گفت: البته اگر فقط معافیت‌ها را در نظر بگیریم و نه عدم مشمولیت‌های قانونی؛ این عدد قابل توجه‌تر خواهد بود، در سال ۱۴۰۰ پژوهش‌هایی انجام شده که بر اساس نتایج آن، به‌اندازه ۳۰۰ هکت صرف‌فرا دآمد مالیاتی از دست رفته داشته‌ایم که البته معافیت مالیاتی از این عدد بیشتر است. موحدی با اشاره به موارد معافیت‌های مالیاتی که نیاز به ساماندهی دارد، افزود: معافیت‌های مالیاتی مناطق کم‌برخوردار و کمتر توسعه یافته، معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد، شهرک‌های صنعتی و ... مواردی از این دست معافیت‌های مالیاتی هستند که سهم قابل توجهی در معافیت‌ها دارند و در نوع فعالیت‌های کسب و کار هم مواردی وجود دارد که بنابر حکم قانون مشمول مالیات می‌شود مانند فعالیت‌های نهادهای فرهنگی. همچنین در نوع درآمدی کسب می‌شود مانند سود سپرده بانکی، معافیت مالیاتی برای اشخاص حقوقی و حقوقی وجود دارد بنابراین با توجه به این موارد، معافیت‌های مالیاتی شامل طیف‌های مختلفی می‌شود که می‌توان در آئین‌های مختلف آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. سخنگوی سازمان امور مالیاتی با اشاره به امکان شناسایی میزان معافیت‌های مالیاتی اظهار داشت: اینکه یک فرد حقیقی و حقوقی از چه میزان معافیت مالیاتی برخوردار شده و چه میزان درآمد کسب کرده در اظهار نامه مالیاتی آن ثبت می‌شود و این اعداد از هم کسر می‌شوند بنابراین به نوعی قابلیت مشخص کردن معافیت‌های مالیاتی و خروجی گرفتن از آن وجود دارد و از همین خروجی گیری در سال ۱۴۰۰ به عدد ۳۰۰ هکت رسیدیم. وی گفت: برای ساماندهی معافیت‌های مالیاتی لایحه‌ای تحت عنوان ساماندهی معافیت‌ها و مشوق‌ها را تهیه کرده‌ایم که این لایحه در کنار سایر موارد مانند قانون مالیات جمع درآمد‌ها به اصلاحاتی نیاز داشت. این لایحه در دولت گذشته به مجلس رفت و دوباره در دولت جدید دوباره به دولت برگشت تا برخی از اصلاحات انجام شود و در دولت چهاردهم متناسب به اصلاحات، لایحه جدید شکل گرفت.

مدنی زاده با کنترل هزینه‌های زاید بودجه می‌تواند موفق باشد



مرتضی افقه اقتصاددان با اشاره به معرفی سید علی مدنی زاده به عنوان وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی اظهار داشت: کسی که در شرایط امروز اقتصاد کشور جرات پذیرش پست وزارت اقتصاد و دارایی را دارد، قطعاً کار بزرگی کرده است، چون با توجه شرایط اقتصادی و اداری کنونی، فرد محکمی را می‌خواهد که بتواند شرایط را بهبود ببخشد. این اقتصاددان با ابراز امیدواری درباره عملکرد مدنی زاده در وزارت اقتصاد برای کنترل هزینه‌های بودجه‌ای کشور، تصریح کرد: دولت‌ها در سال ۹۴ به بعد برای تامین کسری بودجه به دنبال منابع جدید درآمدی به جای نفت تحریم شده رفتند ولی اگر از همان ابتدای دولت یازدهم به دنبال کاهش ردیف‌های هزینه‌ای زایدی که در بودجه کشور وجود داشت، رفته بودند نتیجه بهتری می‌گرفتند. وی با بیان اینکه اگر مدنی زاده بتواند هزینه‌های زاید دولت را کم کند، قطعاً عملکرد درخشانی از خود بر جای خواهد گذاشت، خاطر نشان کرد: با این کار شاید بتواند بخشی از یکی از بزرگترین مشکلات کشور که کسری بودجه است را حل کند. افقه با اشاره به پیچیدگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، اظهار امیدواری که عوامل غیر اقتصادی، محرک‌های اصلی در اقتصاد هستند، به نظر می‌رسد وزیر اقتصاد کار بسیار سختی پیش رو داشته باشد.